

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

یکشنبه ۳۱ دسمبر ۲۰۲۳

انارگل خوستی

ششم جدی روز سیاه

در
تاریخ

افغانستان

به تاریخ ششم جدی که سیاه ترین روز در تاریخ افغانستان عزیز می باشد، متأسفانه من دسترسی به انترنت نداشتم تا بتوانم از این روز سیاه در موقع یاد آوری نمایم. با حل شدن مشکلات امروز به سایت های که معمولاً مراجعه می کنم، مراجعه کردم تا یاد و بود از این روز را از نویسندگان محترمی که حب وطن را بدل دارند، بخوانم.

اما افسوس و صد افسوس که به جز دو سه نویسنده ملی گرا، دیگر همه خاموش و مصروف زد و بند های همیشگی شان بوده اند. یکی دو نفر دیگر می کوشند که گناه احمد را سر محمود و از کلبی را سر مقصود بیندازند. مثلاً یکی می گوید که در اشغال افغانستان گناه از حفیظ الله امین و از تره کی بود و دیگری گروپ پرچم را گناهکار می داند. من می گویم که نه گل باند نه کدو، خاک بر سر هر دو. سگ زرد برادر شغال است .

اما فراموش نموده اند که با داخل شدن اردوی سرخ در کشور، امین و دار و دسته اش کشته شدند و ببرک مشهور به روبای بویناک با دیگر همراهانش که در آن جمله نجیب گاو که بعداً به قصاب کابل شهرت یافت، نیز شامل بود، که بالای تانک های اردوی سرخ روسی سوار و برتخت جمهوریت نا دموکراتیک نشانده شد و دمار از روزگار مردم برآوردند. از زمین و هوا بالای مردم آتش باریدند و هر کدام شان به نوبه خود برای اینکه خود را وفادار به شوروی جنایت کار نشان بدهند، از هیچ نوع جنایت و خیانت به وطن و مردم دریغ نکردند.

ششم جدی ۱۳۵۸، لکه ننگ است در تاریخ پر از نشیب و فراز افغانستان، روز خونین و فاجعه باریست که یک ملت و یک مملکت را غرق در خون عزیزان و فرزندان آزاده کشوری نمود که ضررش به هیچ کشور دور و نزدیک نرسیده بود و در مسائل داخلی هیچ کشوری دخلی نداشت.

اما یک جمع کثیف و رانده شده اجتماع، به دستور و همکاری و رهنمائی شوروی وقت، دست به یک کودتای خونین زده و به تعقیب آن زمینه تجاوز روسیه شوروی وقت را به کشور زیبای ما مهیا ساختند. روس های جنایتکار و تجاوزگر، کشور محبوب ما را مورد تهاجم وحشیانه خود قرار دادند و هست و بود ملت و مملکت ما را با خاک و خون برابر کردند، خون ریختند، جنایت کردند، وحشت آفریدند، تاراج کردند و دار و ندار ما را برباد دادند.

اما دیده می شود که یک تعداد از تفاله های آن حزب که در آن دوره مقام و منزلتی داشتند و یار و همکار رفقا و بادران روسی خود بودند، به عوض این که سر به گریبان نموده و خجالت بکشند و از اعمال خود و رفقای خود نادم باشند؛ هر صباح و پگاه مضمون می نویسند و می خواهند که حزب جنایت کار خود را تبرئه نمایند و بگویند که بادران جنایت کار شان قصد حمله را نداشتند، چون خطر از جانب غرب متوجه افغانستان بود آن ها به کمک افغان ها آمدند. این طبقه پست اجتماع، قتل عام وحشیانه مردم افغانستان توسط اربابان روسی شانرا، کمک قلمداد میکنند و انتظار دارند که شرف باختگی زاتی شان مورد قبول یک تعداد افراد بی خبر از ماجرا قرار گیرد.

روی شما خائنین سیاه، کمک بادران شما به افغان ها، کشتن، بستن، ماین فرش نمودن و دشت و دامان افغانستان عزیز را زیر بمباران گرفتن بود این بود کمک بادران شما، اگر برای دشمنی می آمدند خدا می داند که چی می کردند. دوستی تجاوزگران روسی همان بود که دیدیم و شاهد بودیم.

نویسندگان محترم، از بگو مگو های که هیچ مفادی از آن حاصل نمی شود، امید است صرف نظر کنید و وقت تان را برای تنویر طبقه جوان مصرف نمائید، زیرا دیده می شود که تفاله های حزب نادیموکراتیک آرام ننشسته اند و به انواع و اقسام مختلف در لابلای نوشته های درهم و برهم خود افکار حزبی شان را پخش می کنند.

از طرف دیگر یک تعدادی دیگری که در این چهل و پنج سال آشوب، که از همان کودتای جنایت کاران سر چشمه می گیرد، به اجانب پیوسته اند و می خواهند یکی کلتور و ثقافت ایرانی را و دیگری از دیگر ممالک همجوار و دور و نزدیک را پخش کنند و جامعه را به بیراهه بکشند. شما دانشمندان محترم رسالت ملی تان را بجا بیاورید و نگذارید که باز هم این از خدا بیخبران خلقی و پرچمی هرج و مرج بر پا نمایند. از طرف دیگر امروز با حکومت طالبان امنیت و مصونیت برقرار

گردیده است و همچنان می کوشند تا مصدر خدمت به وطن و مردم شوند و از حدود اربعه افغانستان دفاع کنند. البته خلا های زیاد موجود است که نمی شود خرابی چهل و شش ساله را در دو سال حل نمود. اما امید به خداوند که انشا الله موفق می شوند به ساختن یک افغانستان آزاد و سر بلند، تا در آن همه اقوام به آرامی و سر بلندی زندگی کنند.

آنهایی که به غندی خیر در غرب نشسته اند و در تخریب دولت فعلی کوشا هستند، لطفاً سر را به گریبان تان داخل نمائید و خدای خود را حاضر ببینید. شما ها که یک زندگی نسبتاً آرام دارید، (چرا نسبی، زیرا به نظر من هیچ نقطه دنیا به خاک خود ما برابر نمی شود)، از دل گرم تان برای کشور و مردم درد دیده ما قصر های طلائی و خیالی آباد نکنید، این کشور بیشتر از چهل سال جنگ و خون ریزی و چور و چپاول و تاراج و قتل و کشتار را تجربه نموده است؛ بگذارید برای دمی هم نفس به راحتی بکشند، قصر های طلائی ساختن هم وقت و زمان کافی بکار دارد. نخست امنیت سرتاسری و بعد هم عدالت عمری در کار است، قصر های خیالی ساختن هم از خود زمان مشخص و شرایط معین می خواهد.